ضمیمه 1
تفسیر مَثَل‌های کتاب‌مقدس

مقدمه: در این مجموعه که مربوط به موعظه به ملکوت است، فرصت این را خواهیم داشت که بیاموزیم مَثَل‌های عیسی مسیح را چگونه درك كنيم و آنها را تعلیم دهیم یا موعظه کنیم. مَثَل‌ها تحت عناوین مختلفی در مورد ملکوت خدا دسته‌بندی شده‌اند (رجوع کنید به فهرست مطالب 4 کتاب راهنما).
این ضمیمه حاوی تعلیمی است در خصوص مَثَل‌ها. نکات ذیل را مد نظر قرار دهید: مَثَل چیست؟ هدف از بیان مَثَل چیست؟ خصوصیات مَثَل چیست؟ برای تفسیر مَثَل‌ها چه دستورالعمل‌هایی هست؟

الف) مَثَل
قرائت: متی 13:31-32؛ یوحنا 15:1-6؛ حزقیال 4:1-8
تعلیم: «مَثَل داستانی است زمینی با معنایی آسمانی.» مَثَل «داستانی است برای توضیح یك حقیقت»؛ داستانی است مبتنی بر امور واقعی زندگی که به‌منظور تعلیم حقیقتی روحانی یا پاسخ به یك سؤال طرح‌ریزی شده است. عیسی استاد بیان مَثَل بود. او از حکایات زمینی برای جلب توجه مخاطبینش به امور آسمانی استفاده می‌کرد. او از مکان‌ها و وقایع روزمره استفاده می‌کرد تا اسرار ملکوت خدا را روشن سازد و مردم را با وضعیت واقعی‌شان و نیازشان به احیای روحانی رو در رو کند.
در مَثَل‌ها وقایع تاریخی ثبت نشده است، اما ماجرای مَثَل باید با واقعیت‌های زندگی منطبق باشد. مَثَل مسائلی را توصیف می‌کند که می‌توانست در تاریخ اتفاق افتاده باشد. آن محدود است به امور واقعی، یا باید امور واقعی باشد. مَثَل به فراسوی محدودهٔ احتمالات واقعی نمی‌رود (متی 13:31-32). از این نظر با سایر اشکال تشبیه و قیاس نظیر تمثیل (یوحنا 15:1-6) یا نمادگرایی نبوتی (حزقیال 4:1-8) فرق دارد چرا که این موارد اخیر ممکن است منطبق با واقعیت زندگی روزمره باشند یا نباشند.

ب) هدف مَثَل
قرائت: متی 7:6؛ 10:14-15، 23، 26-27؛ 13:10-17؛ مرقس 4:10-12؛ لوقا 8:10.
کشف و بحث: عیسی به چه علت مَثَل می‌گفت؟
یادداشتها:
چرا عیسی در لوقا 8:10 می‌فرماید که «دانستن اسرار ملکوت خدا» به شاگردانش عطا شده، اما نه به سایر مردم ؟ آیا عیسی می‌خواهد که عامهٔ مردم را در زمینهٔ اسرار ملکوت خدا در تاریکی نگاه دارد؟
نه، این نمی‌توانسته مقصود عیسی بوده باشد. عیسی می‌خواست که تمامی تعالیمش، از جمله مَثَل‌ها، علناً به تمامی مردم جهان اعلام شود. مقصود او این نبود که مَثَل‌هایش را محدود کند به گروه کوچکی از شاگردان، زیرا او به شاگردانش امر فرمود که حقایق مربوط به ملکوت خدا را از بامها (متی 10:27) و در تمام جهان اعلام نمایند تا شهادتی باشد بر جمیع امت‌ها (متی 24:14)!
اما اعلام داشتن حقایق بصورت علنی به تمامی مردم جهان به این معنی نیست که تمامی مردم مایل به شنیدن آن، یا قادر به درك آنچه شنیده‌اند می‌باشند! حالت شنوندگان بسیار مهم است. عیسی با بیان مَثَل، قصد دارد حقیقت را بر تمام کسانی که برخورد خوبی دارند و پذیرا می‌باشند روشن سازد و حقیقت را از تمام کسانی که برخورد بدی دارند و پذیرا نیستند پنهان سازد ! او نمی‌خواست چیزهای مقدس را به سگان بدهد یا مرواریدهایش را جلو خوکها بریزد (متی 7:6). طرز برخورد شنوندگان بود که تعیین می‌کرد که آیا اسرار ملکوت خدا را درك خواهند کرد یا نه. عیسی همچنین به شاگردانش تذکر داد که لازم نیست پیام انجیل را به کسانی که آن را تحقیر می‌کنند، به‌گونه‌ای بی‌پایان موعظه کنند. شاگردان می‌بایست از خود شکیبایی نشان دهند، اما برای این امر حد و مرزی وجود داشت. زمانی فرا می‌رسد که کسانی که دائماً با دعوت پرفیض انجیل و تعالیم عیسی مقاومت کرده‌اند، باید مجازات شوند؛ مجازات آنان این است که پیام‌آوران خبر خوش از نزد ایشان می‌روند. از اینرو است که عیسی به شاگردان تعلیم داد که در جاهایی که مردم موعظه و تعلیم ایشان را نمی‌پذیرند، مدتی طولانی نمانند (متی 10:14). مَثَل درخت انجیر بی‌ثمر تعلیم می‌دهد که صبر و تحمل خدا گرچه بسیار است، اما بی‌انتها نیست (لوقا 13:1-9). همچنین پولس رسول و همکارانش تعلیم می‌دادند که باقی ماندن در مجاورت کسانی که مذهب مسیحیت را مسخره می‌کنند، نوعی بی‌انصافی است در حق آنانی که منتظرند که کسی به ایشان خدمت کند (اعمال 13:45-46؛ 18:5-6؛ رومیان 16:17-18؛ تیطس 3:10 ). به یاد داشته باشید که حصاد فراوان است لیکن عمله کم (متی 9:37).

ج) خصوصیات مَثَل

1- عناصر ممکن در مَثَل

قرائت: متی 13:31-32؛ متی 13:3-9، 18-23؛ لوقا 10:25-37.
کشف و بحث: عناصر ممکن در مَثَل چیست؟
یادداشتها:
مَثَل می‌تواند دارای سه عنصر باشد که عبارتند از «زمینه»، «داستان»، و «توضیح یا کاربرد». با اینحال، مَثَل‌های کتاب‌مقدس ممکن است فقط از یك یا دو مورد از این عناصر برخوردار باشد. برای مثال، مَثَل دانه خردل فقط دارای داستان است. مَثَل برزگر هم از داستان برخوردار است و هم از توضیح. و مَثَل سامری نیکو دارای زمینه و داستان و توضیح می‌باشد.

2- سه عنصر مَثَل

الف) زمینهٔ مَثَل
زمینهٔ مَثَل آن موقعیت و شرایطی است که منجر به بیان آن می‌گردد.
قرائت: 1) لوقا 10:25-29؛ 2) لوقا 15:3-7؛ متی 18:12-14.
کشف و بحث: زمینهٔ این مَثَل‌ها چیست؟
یادداشتها:

1) زمینهٔ مَثَل سامری نیکو به این شرح است. یکی از فقیهان یهودی از عیسی سؤالی کرد تا او را با سخنان خودش به دام بیندازد. او از عیسی پرسید که انسان چه باید بکند تا وارث حیات جاودان گردد. این فقیه خود بر این اعتقاد بود که انسان به‌منظور به میراث بردن حیات جاودان باید تمام احکام شریعت را نگاه دارد. اگر عیسی پاسخ می‌داد که انسان باید تمام احکام شریعت را نگاه دارد، آنگاه فقیه می‌توانست مدعی شود که عیسی خودش این احکام را آنطور که یهودیان تعبیرش می‌کردند، مراعات نمی‌کند.
اما عیسی به سؤال او پاسخی مستقیم نداد، بلکه گذاشت تا او خود به سؤال خودش پاسخ گوید. وی سؤال او را با سؤالی دیگر پاسخ داد؛ فرمود: «در تورات چه نوشته شده است و چگونه می‌خوانی؟» اکنون فقیه مجبور بود عقیدهٔ خود را علناً ابراز دارد؛ پس گفت: «خداوند خدای خود را... محبت نما و همسایهٔ خود را مَثَل نفس خود.» عیسی به او فرمود: «نیکو جواب گفتی. چنین بکن که خواهی زیست.» آن مرد می‌دانست که تمام همسایگان خود را دوست نمی‌دارد، لذا برای آنکه خود را در مقابل جماعتی که به سخنان ایشان گوش می‌دادند عادل نشان دهد، پرسید: «همسایهٔ من کیست؟» عیسی در پاسخ به این سؤال بود که مَثَل سامری نیکو را بیان فرمود. مَثَل سامری نیکو پاسخ عیسی است به این سؤال که «همسایهٔ من کیست؟» به این ترتیب، زمینهٔ این مَثَل این سؤال است که «همسایهٔ من کیست؟»

2) زمینهٔ مَثَل گوسفند گمشده در انجیل‌های لوقا و متی یکسان نیست. این بدان معناست که عیسی قاعدتاً این مَثَل را بیش از یك بار بیان فرموده است، و هر بار در زمینه‌ای متفاوت، تا به سؤالی متفاوت پاسخ دهد یا حقیقت روحانی متفاوتی را تعلیم دهد. زمینه کمك می‌کند تا مَثَل را در هر یك از این انجیل‌ها درك کنیم. زمینهٔ مَثَل گوسفند گمشده در انجیل لوقا بیانگر توجه خداست به انسانهای گمشده نظیر باجگیران و گناهکاران علنی. زمینهٔ مَثَل گوسفند گمشده در انجیل متی بیانگر توجه خداست به کودکان. هر دو مَثَل تعلیم می‌دهند که عیسی مسیح مردم را با آغوش باز می‌پذیرد. لوقا بر شراکت خدا با گناهکارانِ مطرود تأکید می‌گذارد، و متی بر شراکت خدا با کودکانی که در نظر مردم بی‌اهمیت بودند!

ب) داستان موجود در مَثَل
قرائت: 1) لوقا 10:30-35؛ 2) یوحنا 10:1-18؛ زکریا 5:1-4
کشف و بحث: خصوصیات داستان مَثَل چیست؟
یادداشتها:

1) داستان مَثَل طرح‌ریزی شده تا حقیقتی روحانی را تعلیم دهد یا پاسخی باشد به یك سؤال. داستان مَثَل همیشه مبتنی است بر امور واقعی زندگی. آن محدود است به امور واقعی یا رویدادهایی که می‌توانست در تاریخ اتفاق بیفتد. مَثَل به فراسوی محدودهٔ احتمالات واقعی نمی‌رود (متی 13:31-32). برای مثال، داستان مردی که از اورشلیم به اریحا سفر می‌کرد و مورد حمله دزدان واقع شد و سرانجام به کمك یك سامری از مرگ نجات یافت، یك داستان مبتنی بر واقعیت است و می‌توانست اتفاق افتاده باشد.

2) مَثَل با سایر اَشکال تشبیه و قیاس نظیر تمثیل (یوحنا 15:1-6) یا نمادگرایی نبوتی (حزقیال 4:1-8) فرق دارد چرا که این موارد اخیر ممکن است منطبق با واقعیت زندگی روزمره باشند یا ممکن است نباشند. داستانِ موجود در مَثَل چیزی تخیلی و رؤیایی نیست و از نمادهای نبوتی همچون «طومارِ پرنده» استفاده نمی‌کند.

ج) توضیح یا کاربرد مَثَل
قرائت: 1) متی 13:44؛ 2) متی 7:26، 24؛ 3) متی 13:36-43

کشف و بحث: توضیحات یا کاربردهای این مَثَل‌ها چیست؟
یادداشتها:

1) عیسی هیچ توضیح یا کاربردی برای مَثَل مروارید گرانبها ارائه نمی‌دهد.

2) کاربرد مَثَل معمارهای دانا و نادان فقط شنیدن کلام خدا نیست، بلکه عمل کردن به آن نیز هست. توجه کنید که عیسی به تك تك جزئیات داستان معنایی جداگانه نمی‌دهد: او توضیحی در بارهٔ معنای «خانه» و «سنگ» و «ریگ»، و یا «باران» و «سیل» و «باد» نمی‌دهد.

3) توضیح مَثَل علف هرز در میان گندمها این است که اشخاص در ملکوت خدا آمیخته و مختلط می‌باشد؛ به این معنا که برخی متعلق به مسیح‌اند و او را خدمت می‌کنند، و برخی دیگر متعلق به شیطانند و او را خدمت می‌کنند. قضاوت کردن و جدا نمودن ایمانداران واقعی از سایرین وظیفهٔ ما نیست. عیسی مسیح در هنگام بازگشت خود فرشتگان خود را خواهد فرستاد تا ایمانداران واقعی را از سایرین جدا سازد. به این نکته توجه داشته باشید که گرچه عیسی معنای جزئیات بیشتری را در این مَثَل تشریح می‌فرماید، اما در آن فقط یك درس روحانی اصلی می‌دهد. او معنای دو کارنده، گندم، علف هرز (کرکاس)، درو، دروگران، محل سوزاندن، و انبار را تشریح می‌کند. اما همه این جزئیات فقط برای این منظور به‌کار می‌رود تا همان یك درس اصلی مَثَل را توضیح دهد! درس یگانه و اصلی این مَثَل، همانا آمیخته بودن علف هرز با گندمها می‌باشد.

د) دستورالعمل‌های بنیادین برای تفسیر مَثَل‌ها
مقدمه: وقتی کسی در جاده رانندگی می‌کند، باید مقررات رانندگی را رعایت کند، والا ممکن است تصادف کند. این مقررات شامل مواردی است نظیر سَمتی که در آن باید رانندگی کرد، حداکثر سرعت مجاز، علائمی که به‌هنگام پیچیدن یا توقف باید داد، و غیره. اگر راننده‌ای در رعایت این مقررات کوتاهی کند، باعث خسران فراوان یا حتی مرگ خواهد شد. به همین شکل، مسیحیان وقتی کتاب‌مقدس را تفسیر می‌کنند، باید قواعد تفسیر کتاب‌مقدس را رعایت کنند. اگر در رعایت این قواعدِ تفسیر کوتاهی کنند، تعلیم غلط خواهند داد و موجب ورود لطمات روحانی فراوان به قوم خدا خواهند شد.
بخشهای مختلف کتاب‌مقدس به سبك‌های ادبی مختلفی نوشته شده‌اند:
1) روایات تاریخی (متی 1:18-25)، نسب‌نامه‌ها (متی 1:1-17)، رسالات یا نامه‌ها (نظیر فیلمون).
2) تعالیم (یوحنا 14:6)، اوامر (یوحنا 13:34-35)، و مُنهیات (متی 5:39؛ 6:1، 5، 16، 19، 25؛ 7:1، 6).
3) انواع صنایع ادبی، نظیر تشبیه (اشعیا 53:6)، استعاره (مزمور 23:1)، نمونه (عبرانیان 10:8-10)؛ اول قرنتیان 7:5-8) و نماد (مزمور 119:105؛ ارمیا 23:29).
4) شعر (ایوب، مزامیر و امثال).
5) مَثَل‌های عیسی.
6) نبوت‌ها (اشعیا و ارمیا).
7) نوشته‌های مکاشفه‌ای (دانیال و کتاب مکاشفه).
هر یك از این انواع سبك‌های ادبی قواعد تفسیر خاص خودشان را دارند (رجوع کنید به راهنمای مطالعهٔ 1، قواعد تفسیر کتاب‌مقدس. در این مقاله، به «قواعد تفسیر مَثَل‌ها» خواهیم پرداخت.

ذیلاً شش قاعده برای تفسیر مَثَل‌ها ارائه می‌دهیم:

قاعده 1: درك داستان طبیعی مَثَل
نخستین وظیفه، درك داستان طبیعی مَثَل می‌باشد. این داستان به زبان مجازی بیان شده و معنای روحانی مَثَل بر آن بنا شده است. لذا باید کلمات و نکات فرهنگی و تاریخی مربوط به پیشینهٔ داستان را مطالعه کرد.
قرائت: متی 1:22-14
کشف و بحث: چیزها و وقایعی که در داستان توصیف شده است چیست و این چیزها و وقایع در زندگی روزمره آن زمان چه معنایی می‌داده است؟
یادداشتها:
در مَثَل جشن عروسی ، نکات ذیل جزء وقایع زندگی روزمره بود: رسم بر این بود که دعوت را بیش از یك بار تکرار کنند. پاسخهای مختلف به این دعوت‌ها بسیار مطابق واقعیت بود. در مشرق زمین، پادشاه آنانی را که دعوتش را رد می‌کردند، بشدت مجازات می‌نمود. امری عادی بود که تالار عروسی را پر کنند. و این نیز جز آداب و رسوم بود که در طول جشن، جامه‌های خاص عروسی را بر تن کنند.
از آنجا که مردم تقویم و دفترچهٔ یادداشت نداشتند، در میان یهودیان امری غیرعادی نبود که نخست دعوتی عمومی به‌عمل آورند و بعداً میهمانانی را که دعوت شده بودند، بطور خاص فرا بخوانند. همانطور که در زندگی عادی نیز اتفاق می‌افتد، همه نمی‌توانند یا نمی‌خواهند بیایند. بنابراین، عذرخواهی می‌کنند یا بهانه می‌آورند. در روزگار کهن، بسیار گستاخانه و واقعاً غیرممکن بود که کسی دعوت پادشاه را رد کند. کسانی که از آمدن سر باز می‌زدند، اغلب دستگیر می‌شدند و به قتل می‌رسیدند. بسیاری دعوت را

می‌پذیرفتند و به جشن عروسی می‌آمدند. طبق یك سند تاریخی، در مشرق‌زمین کسی که می‌خواست به حضور پادشاه برسد، می‌بایست جامه‌ای را بپوشد که پادشاه برایش می‌فرستاد. از آنجا که اکثر میهمانان از طبقات محروم بودند و خودشان چنین جامه‌ای نداشتند، احتمالاً پیش از ورود به تالار عروسی، لباسی به ایشان می‌دادند.

قاعده 2: بررسی چارچوب آنی مَثَل و تعیین عناصر آن
قرائت: 1) لوقا 10:29؛ 2) لوقا 15:1-2؛ 3) لوقا 18:1؛ 4) متی 20:1-16.
کشف و بحث: چارچوب خاص هر یك از مَثَل‌های زیر چیست؟
یادداشتها:
وظیفهٔ دوم، بررسی چارچوب مَثَل است. چارچوب مَثَل ممکن است از «زمینه» و «توضیح و کاربرد» مَثَل تشکیل شده باشد. زمینه مَثَل ممکن است موقعیتی را که باعث بیان مَثَل شد بیان کند، یا شرایط زمان بیان مَثَل را توضیح دهد. زمینهٔ مَثَل را معمولاً پیش از مَثَل می‌یابیم. توضیح یا کاربرد مَثَل را معمولاً بعد از مَثَل می‌یابیم.

1) در مَثَل سامری نیکو ، چارچوب مَثَل متشکل از زمینه و کاربرد است. زمینه آن یك سؤال است که از سوی شخصی از میان جمعیت طرح شد. فقیه یهودی از عیسی سؤالی کرد؛ پرسید: «همسایه من کیست؟» آنگاه عیسی مَثَل سامری نیکو را بیان فرمود. کاربردی که عیسی ارائه نمود، نشان می‌دهد که هدف از بیان این مَثَل تنها این نبود که تعلیم دهد «همسایه من کیست» بلکه این نیز که «من همسایه چه کسی هستم؟»

2) در مَثَل گوسفند گمشده ، چارچوب مَثَل متشکل است هم از زمینه و هم کاربرد. زمینه بر یکی از مشاهدات عیسی بنا شده است. عیسی طرز برخورد فریسیان با مردم را مشاهده کرد. لوقا می‌نویسد: «و چون همه باجگیران و گناهکاران به نزدش می‌آمدند تا کلام او را بشنوند، فریسیان و کاتبان همهمه‌کنان می‌گفتند: "این شخص گناهکاران را می‌پذیرد و با ایشان می‌خورَد."» عیسی مَثَل گوسفند گمشده را بیان فرمود تا طرز برخورد و نگرش خدا را نسبت به باجگیران و گناهکاران نشان دهد. همچنین توضیحی که عیسی داد نشان می‌دهد که مقصود از بیان این مَثَل این بود که شادی خدا را از توبهٔ حتی یك گناهکار آشکار سازد.

3) گاه هدف از بیان مَثَل آشکارا ذکر شده، مانند مَثَل بیوه‌زنِ مُصِر . لوقا می‌نویسد: «و برای ایشان نیز مَثَلی آورد در اینکه می‌باید همیشه دعا کرد و کاهلی نورزید.» عیسی مَثَل بیوه‌زن مُصِر را بیان فرمود تا به شاگردانش تعلیم دهد که با اصرار و اعتماد دعا کنند.

4) مَثَل کارگران تاکستان با کلمهٔ «زیرا» آغاز می‌شود و همین امر نشان می‌دهد که این مَثَل مرتبط است با زمینهٔ ماجرای جوان ثروتمند در فصل پیشین (متی 19:16-30). به‌علاوه، کاربردی که عیسی از مَثَل به‌دست می‌دهد همان کاربردی است که برای سؤال پطرس قائل شد که پرسیده بود که چه پاداشی برای ترك همهٔ چیز و پیروی عیسی دریافت خواهد داشت (متی 20:16 و 19:27ـ 30). طرز برخورد آنانی که در آغاز و در پایان روز به‌کار گمارده شده بودند (متی 20:9-10) و طرز برخورد جوان ثروتمند و پطرس (متی 19:21، 27، 29) در خصوص «چیزهای که دارند» و «چیزهایی که آرزوی دریافتش را دارند»، ارتباط میان این دو بخش را به‌دست می‌دهد. نکتهٔ مرکزی این مَثَل، هشدار است به همه کسانی که همچون پطرس، نگران آنند که چه پاداشی از عیسی مسیح دریافت خواهند کرد.

قاعده 3: تعیین جزئیات مربوط و نامربوط در مَثَل
تعلیم: سومین وظیفه، تعیین این نکته است که کدام جزئیات در مَثَل برای تعلیمی که منظور نظر است، حالتی اصلی و مربوط دارند و کدامها حالتی نامربوط. باید خیلی مراقب بود که برای تمام جزئیات مَثَل، مفهوم و اهمیت مستقل روحانی قائل نشویم. از میان جزئیات مربوط، نخست حقیقت مرکزی یا پیام اصلی مَثَل را تعیین کنید. سپس تعیین کنید که کدام جزئیاتِ دیگر در مَثَل به‌منظور تقویت و استحکام پیام اصلی، مهم می‌باشند.

الف) تعیین کنیم که آیات مورد نظر یك رویداد تاریخی است یا یك تمثیل است یا یك مَثَل
این امر در تعیین جزئیاتِ مربوط نتایج مهمی در بر دارد.

1- رویدادی تاریخی یا یك مَثَل؟ برای مثال، آیا مَثَل مرد ثروتمند و ایلعازر فقیر شرح یك رویداد تاریخی است (یعنی رویدادی که عملاً اتفاق افتاده بوده/م) یا یك مَثَل؟ اگر این شرح یك رویداد تاریخی باشد که برای تشریح حقیقتی خاص مورد استفاده قرار گرفته، در آنصورت تمامی جزئیات دارای معنا می‌گردند. در آنصورت، این واقعیت که مرد ثروتمند قادر بود به‌هنگام عذاب در جهنم با ابراهیم ارتباط برقرار کند، حقایق بیشتری در بارهٔ وضعیت واقعی انسانها در جهنم را بیان می‌دارد. اما به این شکل، این واقعیت که مرد ثروتمند به جهنم رفت و مرد فقیر به آسمان، گرچه واقعیتی است جدی، شاید هیچ مفهوم روحانی یا الهیاتی نداشته باشد. اما اگر این یك مَثَل باشد، آنگاه این واقعیت که مرد ثروتمند به

جهنم رفت و مرد فقیر به آسمان، یکی از جزئیات مهم خواهد بود. در اینصورت، این نکته، نکته مرکزی یا پیام اصلی مَثَل خواهد بود.

زمینهٔ این بخش حاکی از آن است که این یك مَثَل است و نه یك رویداد تاریخی. زمینهٔ آن همان زمینهٔ مَثَل قبلی در خصوص مباشرِ زیرك می‌باشد؛ به این ترتیب، عیسی فریسیان را بخاطر پول‌دوستی‌شان سرزنش می‌کند (لوقا 16:19، 1). جزئیاتی نظیر زندگی تجملاتی هرروزهٔ مرد ثروتمند و فقیری که آرزو داشت از ته‌مانده‌های سفرهٔ او بخورد، جزئیاتی مهم می‌باشند، زیرا موضوع مورد بحث را استحکام می‌بخشند، و حقیقت دیگری را در مورد استفاده از ثروت برای آماده شدن برای آینده را به‌دست می‌دهد. نکته مرکزی یا پیام اصلی این مَثَل، تعلیم این حقیقت است که «شیوهٔ زندگی مرد ثروتمند در این جهان پیش از مرگش، عواقبی غیرقابل برگشت دارد.»

2- تمثیل یا مَثَل؟ برای مثال، آیا مَثَل برزگر یك تمثیل است یا یك مَثَل؟ «تمثیل» قیاس و تشبیهی است طولانی که در آن چندین عنصر موجود در تمثیل بیانگر چندین حقیقت می‌باشند.

برای مثال، یوحنا 15:1-17 حاوی یك تمثیل است. باغبان نماینده خدای پدر است، تاك نماینده عیسی است، شاخه‌های بارورَ معرف مسیحیان واقعی، و شاخه‌های بی‌ثمر معرف کسانی است که هیچگاه مسیحیانِ واقعی نبوده‌اند، و غیره. مقصود این تمثیل این نیست که عیسی واقعاً یك تاك است که شاخه دارد و انگور بر آن به‌ثمر می‌رسد. مقصودش این است که رابطهٔ میان عیسی و پیروانش را می‌توان به تاك و شاخه‌هایش تشبیه کرد. اما نباید بکوشیم تمام خصوصیات این نماد را تشریح کنیم. شاخه‌هایی که ثمر می‌آورند نماینده مسیحیان واقعی می‌باشند. اما شاخه‌هایی که ثمر نمی‌آورند، نماینده کسانی نیستند که ابتدا مسیحیان تولدتازه یافته بودند و بعد از آن از ایمان لغزش خوردند. این تمثیل بروشنی تعلیم می‌دهد که شاخه‌هایی که بریده و در آتش انداخته شدند، نماینده کسانی هستند که هیچگاه میوه نیاوردند، نه حتی زمانی که رابطهٔ نزدیکی با عیسی داشتند. آنان هیچگاه ایماندار واقعی نبودند و رابطه‌ای که با مسیح داشتند، گرچه نزدیك بود، اما رابطه‌ای ظاهری بود. نتیجه این که این تمثیل به تعلیم این نکته نمی‌پردازد که مسیحیانِ تولدتازه یافته ممکن است نجات خود را از دست بدهند. بلکه تعلیم می‌دهد که مسیحیانِ ظاهری بی‌ثمر باقی خواهند ماند و مسیحیانِ تولدتازه یافته میوه بسیار خواهند آورد. لذا می‌توان گفت که تمثیل دارای چندین عنصر است که قابلَ قیاس‌اند، اما مَثَل فقط یك نکته مرکزی یا یك پیام اصلی دارد.

«مَثَل» داستانی است مبتنی بر زندگی واقعی، در حالیکه تمثیل الزاماً چنین نیست. گرچه هر دو می‌توانند موضوعی مرکزی داشته باشند، اما مَثَل برای آن است که یك نکته اصلی را تعلیم دهد، در حالیکه تمثیل می‌تواند چندین حقیقت مربوط یا حتی نامربوط را تعلیم دهد. حکایت برزگر ظاهراً یك تمثیل است، زیرا در تشریحی که مسیح از چهار نوع زمین ارائه می‌دهد، برای تقریباً تمام جزئیات داستان کاربردی قائل می‌شود؛ مثلاً بذر بیانگر پیام کتاب‌مقدس است، پرندگان نماینده شیطان، زمین سخت نماینده دلهای سخت، و غیره. اما واقعیت این است که این حکایت تمثیل نیست بلکه مَثَل است، زیرا چارچوبی (توضیحی) که بدنبال آن می‌آید، بروشنی بیانگر یك موضوع واحد است، و آن اینکه «نتیجه‌ای که در زندگی فرد حاصل می‌شود، بستگی دارد به واکنش او به کلام خدا. و واکنش شخص به کلام خدا بستگی دارد به حالت یا طرز برخوردِ قلبی او.» عیسی عمداً جزئیات متعددی برای مَثَل برزگر طرح‌ریزی کرد تا این پیام مرکزی را استحکام بخشد.

ب) تمثیلی کردنِ مَثَل‌ها

آیا مسیحیان باید به مَثَل‌ها حالتی تمثیلی ببخشند ، یعنی مَثَل‌ها را همچون تمثیل تلقی کنند و برای هر یك از جزئیات مَثَل، معنای روحانی متفاوتی قائل شوند؟ پاره‌ای از مسیحیان اولیه مَثَل‌ها را تمثیلی می‌کردند و معانی متنوع و حیرت‌انگیزِ بسیاری در جزئیات مَثَل‌ها می‌یافتند، زیرا نمی‌دانستند مَثَل‌ها را چگونه باید تفسیر کرد. در نمونه زیر، مَثَل سامری نیکو با حالتی تمثیلی تفسیر شده است:

«مردی که از اورشلیم به اریحا می‌رفت، نماینده آدم یا آموزهٔ سقوط انسان در گناه بخاطر نافرمانی‌اش می‌باشد. اورشلیم مظهر بهشت یا آسمان است و اریحا نماد دنیا. دزدها نمایندهٔ دشمنان نیرومند یا ارواح پلید هستند، یا مظهر انبیای دروغینی که پیش از مسیح زندگی می‌کردند. وقتی آدم آفریده شد، در اثر حمله شیطان و فرشتگانش در گناه افتاد. زخمها نماد نافرمانی و گناه است. برهنه ساختن آن مرد مظهر از دست رفتن فسادناپذیری و نامیرایی انسان و باختنِ همهٔ فضایلش می‌باشد. او «نیم‌مرده» است، زیرا گرچه جانش نامیرا است، اما طبیعت انسانی‌اش مرده است. کاهن و لاوی نمایندگان شریعت موسی و انبیای عهدعتیق‌اند. شریعت و انبیا قادر به نجات بشر سقوط‌کرده نبودند. سامری نیکو نیز طبعاً نماینده عیسی مسیح است. او آمد تا بشرِ سقوط‌کرده را نجات بخشد. شراب نماد کلام خدا است که راهنمایی و تأدیب می‌کند و روغن مظهر آموزهٔ محبت و شفقت و رحمت است. مَرکَب (الاغ) نماد بدن مسیح است که آن مرد را به کلیسا می‌برد. کاروانسرا مظهر کلیسا است و سرایدار مظهر رسولان و جانشینان ایشانند، نظیر اسقفان و سایر صاحب‌منصبان کلیسا. دو دینار نماد ایمان به پدر و پسر است، یا دو عهدِ کتاب‌مقدس، یا محبت به خدا و به همنوع. عیسی بشر سقوط‌کرده را با دادنِ بدن خود و فدای آن بر صلیب و با تأسیس کلیسا به‌عنوان مکانی که ایمانداران را تا بازگشت او محافظتَ می‌کند، نجات می‌بخشد. وعدهٔ سامری نیکو در مورد بازگشت خود و پرداخت مابقی هزینه‌ها مظهر بازگشت مسیح است.»

این تفسیر را یکی از پدران کلیسا به‌نام اُریجن انجام داده است (185-254 میلادی). او فکر می‌کرد که تمام جزئیات داستان معنای خاصی دارد. با اینکه عیسی خودش توضیح و کاربرد مَثَل سامری نیکو را بیان داشته، اریجن کاملاً این مَثَل را اشتباه درك كرد و تفسیر خودش را بر آن نهاد، تفسیری که آکنده از اندیشه‌های خیال‌پردازانه است. اگر اریجن این مَثَل را در چارچوبِ زمینه و توضیح و کاربردش درك می‌کرد، نمی‌توانست به چنین تفسیری برسد!
نتیجه‌گیری: مسیحیان نباید به مَثَل‌ها حالتی تفسیری بدهند ، یعنی اینکه مَثَل‌ها را تمثیل تلقی کنند و به تمام جزئیات مَثَل معنایی متفاوت نسبت دهند.

ج) تشخیص جزئیات مربوط
جزئیات مربوط آن جزئیاتی هستند که عیسی قصد داشت از طریق آنها حقیقتی را تعلیم دهد و در نتیجه می‌توان آنها را تفسیر کرد و به‌کار بست. جزئیات مربوط را از این امر می‌توان تشخیص داد که آنها نکتهٔ مرکزی یا پیام اصلی مَثَل را استحکام می‌بخشند.
مَثَل پسر گمشده را در نظر بگیرید. این واقعیت که پدر در خانه ماند و به جستجوی پسر بر نیامد، از زمرهٔ جزئیات نامربوط است، زیرا قصد عیسی تعلیم این نکته نبود که پدر آسمانی به‌جستجوی گناهکاران گمگشته نمی‌رود. او در دو مَثَل پیشین تشریح کرده بود که چطور خدا به‌دنبال گمشدگان است. اما این نکات که پدر مشتاقانه چشم‌انتظار بود، و برای استقبال پسرش دوید، و با شادی و اشتیاق او را پذیرفت، همگی جزئیات مربوط و مهم‌اند، زیرا نکته مرکزی مَثَل را استحکام می‌بخشند؛ و نکته مرکزی آشکار ساختنِ طرز برخورد خدای پدر نسبت به انسانهای گمشده می‌باشد.

د) تشخیص جزئیات نامربوط
گرچه همه جزئیاتِ مَثَل برای داستان مَثَل دارای اهمیت هستند، اما همهٔ آنها برای پیام مَثَل مهم نیستند. قصد عیسی این نبود که تمام جزئیات مَثَل دارای اهمیت روحانی باشند. آن جزئیاتی که از اهمیت روحانی برخوردار نیستند، باید شناسایی و کنار گذاشته شوند.
مَثَل غلام بی‌منفعت را در نظر بگیرید. آیا قصد عیسی تأئید برده‌داری است؟ آیا او اصول حاکم بر روابط کارگر و کارفرما را تعیین می‌کند؟ یا آنچه را که باید رفتار سخاوتمندانه و مهربان و مؤدب تلقی شود، تعلیم می‌دهد؟ زمینهٔ این مَثَل (لوقا 3:17-4) حاوی تعلیم عیسی است در خصوص برادری که گناه می‌کند و بخشش او هر گاه که توبه کند. نکتهٔ مرکزی یا پیام اصلی مَثَل این است که مسیحیان برای انجام کار درست مستحق تعریف و تمجید نیستند. سایر جزئیات داستان برای این مقصودِ مرکزی نامربوط می‌باشند و نباید فراتر از این تفسیر شوند.

قاعده 4: تشخیص پیام اصلی مَثَل
قرائت: 1) لوقا 10:25-29؛ 2) متی 13:3-9؛ 3) لوقا 1:16-13
کشف و بحث: پیام اصلی هر يك از این مَثَل‌ها چیست؟
یادداشتها
وظیفهٔ چهارم، تشخیص پیام اصلی مَثَل است. پیام اصلی مَثَل را می‌توان یا در توضیح یافت یا در کاربرد یا در خودِ داستان.
بر اساس روشی که عیسی برای توضیح و کاربرد مَثَل‌ها به‌کار می‌برد، می‌دانیم که آنها را چگونه باید تفسیر کنیم. مَثَل معمولاً فقط يك درس اصلی یا يك نکته مرکزی دارد. بنابراین، نباید سعی کنیم در تمام جزئیات داستان حقیقتی روحانی بیابیم، بلکه باید بدنبال درس اصلی باشیم.

1- درس اصلی در مَثَل سامری نیکو چیست؟ آیا مسیحیان باید این مَثَل را تمثیلی سازند ، یعنی اینکه به تك تك جزئیات آن معنای روحانی متفاوتی نسبت دهند؟ در آنصورت، طوری خواهد بود که گویی این مَثَل بجای تعلیم يك درس اصلی، تاریخ نجات الهی را به زبانی نمادین بیان می‌کند. نه، مسیحیان نباید به مَثَل‌ها جنبهٔ تمثیلی بدهند. چارچوب تاریخی مَثَل سامری نیکو نشان می‌دهد که پیام اصلی آن، پاسخ عیسی است به این سؤال که «همسایه من کیست؟» یا به‌عبارت بهتر، «من برای چه کسی همسایه هستم؟» یا «من چه زمانی برای کسی دیگر همسایه هستم؟»

2- پیام اصلی مَثَل برزگر چیست؟ در مَثَل برزگر هیچ اشاره‌ای وجود ندارد دال بر اینکه فقط 25% تمامی مردم جهان به موعظه انجیل واکنش نشان داده، نجات خواهند یافت. اینگونه تفسیر تمثیلی فراسوی چیزی است که خودِ عیسی توضیح داد. عیسی فقط تعلیم داد که هر انسانی شخصاً مسؤول است که به موعظه انجیل واکنش نشان دهد. پیام اصلی این است که «نتیجه‌ای که در زندگی فرد حاصل می‌شود، بستگی دارد به واکنش او به کلام خدا. و واکنش شخص به کلام خدا بستگی دارد به حالت یا طرز برخوردِ قلبی او.» بنابراین، خادمان مسیح باید انتظار هر نوع واکنشی را در قبال موعظهٔ انجیل و تعلیم کلام خدا داشته باشند.

3- پیام اصلی مَثَل مباشر زیرك چیست؟ آیا عیسی تعلیم می‌دهد که مسیحیان مرتکب تقلب شوند؟ آیا تعلیم می‌دهد که پیروانش از انسانها برای منافع خودشان استفاده کنند؟ نه. نکته مرکزی داستان در آیه 8 یافت می‌شود؛ و کاربرد داستان در آیه 9 مستقیماً به نکته مرکزی مرتبط است. عیسی مباشر

خائن را بخاطر تقلب و خیانتش تحسین نکرد، بلکه بخاطر زیرکی‌اش، یعنی بخاطر اینکه از امکانات کنونی‌اش استفاده کرد تا برای آینده‌اش تدارك ببیند! پیام اصلی این مَثَل این است که «شخص دانا از امکانات زمینی کنونی‌اش بهره می‌گیرد تا برکات آسمانی و ابدی را برای خود تدارك بیند.»

قاعدة 5: مقایسة مَثَل با قسمتهای مشابه و متضاد در کتابمقدس

تعلیم: وظیفة پنجم پیدا کردن مهم‌ترین مآخذ مربوطه است که ما را در تفسیر مَثَل کمك می‌کنند. حقیقتِ نهفته در هر مَثَل از حقایق مشابه یا متضاد برخوردار است که در سایر قسمت‌های کتاب‌مقدس تعلیم داده شده‌اند. لذا باید تفسیر هر مَثَل را با تعلیم روشن و مستقیم کتاب‌مقدس محك زد:

مَثَل ده قنطار . مرد شریف به هر یك از ده خادم خود مبلغی برابر داد، اما در بازگشت خود، پاداشی متفاوت به ایشان داد، زیرا دریافت که بعضی از خادمانش سود بیشتری از دیگران بدست آورده بودند.

مَثَل قنطارها . مردی که عازم سفر بود، به سه نفر از خادمان خود مبلغی متفاوت داد، اما در بازگشت خود، به خادمان امین خود پاداشی برابر داد.

مَثَل کارگران تاکستان . صاحب تاکستان کارگرانی را در ساعات مختلف روز به کار گمارد، اما در پایان روز، به همه آنان پاداشی برابر داد.

موضوع اصلی تمام این مَثَل‌ها، آماده بودن برای بازگشت عیسی مسیح است، زیرا هر شخص باید حساب مباشرت خود را برای هر آنچه که خدا به او سپرده است، بدهد.

اما هر مَثَل حقیقت متفاوتی را نیز تعلیم می‌دهد:

مَثَل ده قنطار تعلیم می‌دهد که خادمی که امانت و وفاداری بیشتری دارد، مسؤولیت‌های بزرگتری نیز در آینده دریافت خواهد کرد. برای درجات مختلف وفاداری و کوشایی، درجات متفاوتی از پاداش وجود دارد.

مَثَل قنطارها تعلیم می‌دهد که پاداشها بر پایه درجات مختلف موفقیت خادمان قرار ندارد، موفقیتی که وابسته به فرصت‌های متفاوتی است که دریافت داشته‌اند.

مَثَل کارگران تاکستان تعلیم می‌دهد که خداوند هر که را نزد او بیاید پاداشِ حیات جاودان خواهد داد، چه در مراحل اولیه زندگی‌شان آمده باشند، چه دیرتر.

قاعده 6: آموزه‌های مسیحی را فقط بر بخشهای روشن کتاب‌مقدس بنا نهید

تعلیم: ششمین وظیفه این است که اعتقادات یا آموزه‌های مسیحی را فقط بر بخشهای روشن کتاب‌مقدس بنا نهیم، یعنی بر اوامر و مُنهیات و تعالیم روشن. مَثَل‌ها را نباید تبدیل کنیم به منبع و بنیاد اولیه برای اعتقادات مسیحی. آن دسته از آموزه‌ها و اعتقادات مسیحی که قبلاً تدوین شده‌اند، می‌توانند به کمك مَثَل‌ها مورد توضیح و تأئید بیشتری قرار گیرند. اما مجاز نیست که از مَثَل‌ها برای تدوین اعتقادات جدید مسیحی استفاده کرد. در امر تفسیر کتاب‌مقدس، روال همیشه این بوده که از معنای تحت‌اللفظی بسوی معنای مجازی، و از بخشهای روشن بسوی بخشهای مبهم‌تر حرکت کنیم. بنابراین، تفسیر مَثَل را همیشه با تعلیم صریح کتاب‌مقدس محك بزنید.

هر گاه عیسی توضیح مَثَلی را ارائه می‌دهد، این توضیح را می‌توان به سان سایر تعالیم روشن مورد استفاده قرار داد تا آموزه‌ای مسیحی را تدوین کرد. برای مثال، مَثَل علف هرز در میان گندمها در متی 13:36-43 توضیح داده شده است و این توضیح را می‌توان برای تدوین آموزة مسیحی به‌کار برد.

اما بطور کلی، زبان مجازی مَثَل‌ها را نمی‌توان بهترین منبع برای تدوین اعتقادات مسیحی به‌شمار آورد. برای مثال، مَثَل علف هرز در میان گندمها تعلیم می‌دهد که در ملکوت خدا یا در کلیسا، انواع مختلف انسانها خواهند بود. یعنی در ملکوت خدا یا در کلیسا در این جهان، هم مسیحیان تولدتازه یافته خواهند بود و هم مسیحیان ظاهری. اما سه نتیجه‌گیری زیر را «نمی‌توان» از این مَثَل استخراج کرد:

- همه (پسران ملکوت و پسران شیطان) را باید بدون تبعیض تعمید داد.
- برای قضاوت کردن در مورد متقاضیان عضویت در کلیسا، هیچ اقدامی نباید صورت گیرد.
- اعضا را نباید تأدیب کرد، حتی اگر گناهشان بسیار وخیم باشد.

آموزه‌های مسیحی را در مورد اینکه چه کسی می‌تواند عضو شود، چه کسی می‌تواند تعمید گیرد، و چگونه اعضا را بخاطر گناهشان باید تأدیب کرد، باید بر سایر تعالیم روشن کتاب‌مقدس بنا نهاد (متی 28:19؛ 18:15-18).

به‌عنوان مثال، مَثَل پسر گمشده، تعلیم می‌دهد که خدا گناهکاران توبه‌کار را می‌پذیرد. اما اشتباه خواهد بود که از این مَثَل استفاده کنیم تا تعلیم دهیم که یك گناهکار چگونه بسوی خدا باز می‌گردد. اگر از این مَثَل چنین تفسیری بدست دهیم، نتیجه این خواهد شد که شخص گناهکار کافی است که توبه کند، و هیچ نیازی به پذیرش کفاره مسیح ندارد. آموزة کفاره و نجات را باید بر بخشهای روشنتر کتاب‌مقدس بنا نهاد (رومیان 3:21-26).

بنابراین، بطور کلی، از مَثَل‌ها برای تدوین تعالیم و آموزه‌ها استفاده نمی‌کنیم، بلکه از آنها برای تأئید و تحکیم حقایقی که در بخشهای دیگر کتاب‌مقدس تعلیم داده شده، بهره می‌گیریم.

ه) تکلیف

1- به خاطر سپردن: شش قاعده بنیادین برای تفسیر مَثَل‌ها را به خاطر بسپارید.
2- تعیین کنید زمینه یا توضیح یا کاربرد مَثَل‌های ذیل را: 1) متی 13:47-48؛ 2) متی 25:14-30؛ 3) لوقا 11:5-8؛ 4) لوقا 12:13-20؛ 5) لوقا 15:3-32؛ 6) لوقا 16:19-31؛ 7) لوقا 19:12-27.
پاسخ آنها در این بخشها یافت می‌شود: 1) متی 13:49-50؛ 2) 25:13؛ 3) لوقا 11:9-10؛ 4) لوقا 12:21؛ 5) لوقا 15:1-2؛ 6) لوقا 16:14؛ 7) لوقا 19:11.